

نومحافظه کاران خنجرى درد ناک ديگرى خورد

{اسکاري}



نیم نگاه به عملکرد بانک جهانی

ساختار صندوق بين المللي پول و بانک جهانی نیازمند اصلاحات جدي و اساسي است . صندوق و بانک جهانی باید برای کسب اعتبار از دست رفته خود تلاش کنند . روند انتخاب روساي بانک جهانی و صندوق باید مورد تجديد نظر اساسي قرار گیرد . این دو نهاد مالي بين المللي باید برای رشد و توسعه اقتصادي کشورهاي فقير و در حال توسعه تلاش بیشتری کنند . کاهش فقر در کشورهاي در حال توسعه باید يکي از مهمترين اولويتهاي بانک جهانی و صندوق بين المللي پول باشد . حق رای اعضاي صندوق و بانک جهانی باید به صورت عادلانه توزيع شود . رسوایي ولفويتز رييس پيشين بانک جهانی به اتهام فساد مالي و اخلاقي ، ضربه زيادي را به اعتبار اين نهاد مالي بين المللي وارد کرده است .

بانک جهانی يك بانک معمولي نيست و از دو موسسه توسعه‌اي منحصر به فرد تشكيل شده است. بانک بين‌المللي ترميم و توسعه (IBRD) و کانون بين المللي توسعه . (IDA) پيش از آنکه به بانک جهانی (world bank) بپردازيم بهتر است بدانيم که در دنياي زندگي مي‌کنيم که درآمد متوسط سالانه آن بیش از ۳۱ تریلیون دالر است. در این دنيا و در برخي از کشورها افراد به طور متوسط بیش از ۴۰,۰۰۰ دالر در سال درآمد دارند . ولي در همين دنيا ۲/۸ ميليارد نفر (بیش از نصف مردم کشورهاي در حال توسعه) درآمدي کمتر از ۷۰۰ دالر در سال دارند که در بين آنها ۱/۲ ميليارد نفر کمتر از يك دالر در روز درآمد دارند.

به همين دليل روزانه ۳۳,۰۰۰ نفر در این کشورها مي‌ميرند و فقر بیش از ۱۰۰ ميليون کودک را از نعمت سواد آموزي محروم کرده است. مسئله کاهش چنين فقري در شرايطي که جمعيت جهان رو به فزوني است و در پنجاه سال آینده حدود ۵۰% رشد خواهد داشت؛ چالش بزرگي است.

فعاليت بانک جهانی معطوف به کم کردن اين فاصله و تبديل منابع کشورهاي ثروتمند به عملي جهت رشد کشورهاي فقير است. بانک جهانی که يکي از بزرگترين منابع کمک به توسعه در جهان است از

تلاش کشورهای در حال توسعه به ساختن مدارس و مراکز بهداشتی، تامین آب و برق، مبارزه با بیماری و حفاظت از محیط زیست، حمایت می‌کند.

بانک جهانی چیست؟

این بانک در واقع یک بانک معمولی نیست بلکه از دو موسسه توسعه‌ای منحصر به فرد تشکیل شده است. بانک بین‌المللی ترمیم و توسعه (IBRD) و کانون بین‌المللی توسعه (IDA) هر دو این موسسات نقشی متفاوت ولی حمایت‌کننده در مأموریت بانک جهانی برای کاهش فقر و بهبود سطح استانداردهای زندگی، ایفای می‌کنند.

سازمان‌های فوق‌مستترکا برای کشورهای در حال توسعه وام‌های کم بهره، اعتبار بدون بهره و تامین اعتبار می‌کند. کشورهای کم درآمد دنیا به دلیل نرخ بالای بهره، قادر به گرفتن وام در بازارهای بین‌المللی نیستند. این کشورها، علاوه بر کمک‌ها و وام‌های مستقیم از کشورهای توسعه یافته، از بانک جهانی اعتبار، وام بدون بهره و کمک فنی دریافت می‌کنند که به آنها توانایی تامین نیازهای اولیه و خدمات اساسی را می‌دهد. این کشورها ۳۵ تا ۴۰ سال برای بازپرداخت وام‌ها وقت دارند که تا ۱۰ سال قابل تمدید است.

یکی دیگر از خدمات این سازمان؛ کاستن از بدهی کشورهای فقیر بسیار بدهکار (HIPC) است. این امکان باعث می‌شود که این کشورها به جای بازپرداخت وام آنرا صرف مسکن، تعلیم و تربیه، بهداشت و برنامه‌های رفاهی برای مردم نیازمند، کنند.

ضمناً بانک جهانی حمایت از مبارزه علیه ایدز را در راس برنامه‌های خود قرار داده و بزرگترین تامین‌کننده بودجه برای برنامه‌های ضد اچ‌ای. وی (ایدز) در دنیا است. تعهدات فعلی این بانک به سازمان‌های مبارزه با ایدز بیش از ۱/۳ میلیارد دلار می‌باشد که نیمی از آن تنها به آفریقای جنوبی اختصاص داده شده است.

در حال حاضر ۱،۸۰۰ پروژه در کشورهای در حال توسعه توسط بانک جهانی در دست اجراست. در میان این پروژه‌ها طرح ارتقای سطح آگاهی در مورد ایدز در گینه، تامین تسهیلات آموزشی برای دختران در بنگلادش، کمک به بازسازی تیمور شرقی پس از استقلال و کمک به بازسازی گجرات در هندوستان؛ به چشم می‌خورد. دفتر مرکزی بانک جهانی در واشنگتن است و حدود ۱۰۰۰۰ کارشناس توسعه در ۱۰۰ شعبه این بانک در سراسر جهان مشغول به کارند.

صندوق بین‌المللی پول به عنوان یکی از نهادهای که توسط ۱۸۵ عضو اداره می‌شود، با توجه به نرخ تبدیل ارز و تراز پرداخت‌ها بر سیستم مالی جهانی نظارت می‌کند و در مواقع نیاز کمک نقدی و تخصصی به کشورهای متقاضی ارائه می‌دهد.

صندوق بین‌المللی پول چیست؟

طرح اولیه صندوق بین المللی پول، که به آی.ام.اف یا صندوق نیز مشهور است، در جولای ۱۹۴۴ در کنفرانس برتن وودز مطرح شد؛ ۴۵ کشور مطرح کننده طرح به دنبال بنا نهادن چهارچوب همکاری اقتصادی بودند که در قالب آن از تکرار سیاست های اقتصادی فاجعه آمیزی که منجر به دوران رکود بزرگ دهه ۳۰ میلادی شده بود، اجتناب کنند. بر طبق بند یک اساسنامه این طرح اهداف و وظایف مشخصی برای این سازمان در نظر گرفته شد.

اهداف صندوق بین المللی پول

1 - ایجاد همکاری مالی بین المللی از طریق یک نهاد ثابت که ابزار لازم برای مشاوره و تشریح مساعی در مشکلات مالی جهانی را فراهم می آورد.

2 - ایجاد تسهیلات لازم برای توسعه و تعدیل تجارت جهانی و همکاری در جهت پیشبرد و حفظ بازار کار و درآمدهای حقیقی و نیز توسعه منابع درآمد را برای تمام اعضا به عنوان هدف اساسی در سیاست گذار بهای اقتصادی.

3 - تقویت ثبات در بازار تبدیل ارز و حفظ نظام یکپارچه در مبادلات ارزی میان اعضا و نیز اجتناب از افت ارزش ارز به دلیل رقابت های نادرست در بازار جهانی

4 - کمک به بنا نهادن نظام چند جانبه پرداختها در حوزه مبادلات جاری میان اعضا و در حذف محدودیت های تبدیل ارز خارجی که مانع رشد تجارت جانی میشود.

5 - ایجاد دسترسی موقت اعضا به منابع صندوق با رعایت جوانب امنیتی لازم برای تسهیل در اصلاح ترازهای پرداخت ناهماهنگ.

به طور خلاصه، هدف اصلی تشکیل این صندوق ارتقای میزان همکاری مالی، جلوگیری از فقر، کمک به رشد اقتصادی و بازار کار در سطح بین المللی و ایجاد تسهیلات مالی برای کشورهای که خواستار تنظیم تراز پرداختشان هستند، می باشد. از زمان تاسیس آی.ام.اف تا به امروز تغییری در اهداف این سازمان به وجود نیامده است. اما نوع عملکرد آن که نظارت، کمک تخصصی و مالی است همگام با رشد نیاز و تقاضای کشورهای عضو تغییر کرده است. تعداد اعضای صندوق جهانی پول با عضویت مونته نگرو در ۱۸ ژانویه ۲۰۰۷ به ۱۸۵ رسید. تمامی کشورهای عضو سازمان ملل به استثنا کوریایی شمالی، کوبا، آندورا، موناکو، لیختن اشتاین، تووالو و نارو عضو این سازمان هستند.

از دیگر کشورهایی که تاکنون به عضویت این سازمان در نیامده اند میتوان تایوان، فلسطین و جمهوری صحرا را نام برد. جالب است بدانیم که حدوداً ۲۷۱۶ نفر از ۱۶۵ کشور کارمند در این سازمان مشغول به کار هستند و میزان وام اعطایی این سازمان تا تاریخ ۲۰۰۶/۰۷/۳۱ حدوداً ۲۸ میلیارد دالر حساب شده است.

صندوق بین المللی پول موقعیت بازارهای مالی جهان را در گزارش تازه خود توصیف کرد. صندوق بین المللی پول اعلام کرد اگرچه در حال حاضر بازارهای مالی جهان قوی است اما به دلیل خطر کند شدن رشد اقتصادی احتمال تعدیلاتی شدیدتر از تعدیلات ماه مه منجر شود.

در گزارش شش ماهه صندوق بین المللی پول در باره ثبات مالی جهان اعلام شده تعدیلات ناشی از بیم های تورمی و نرخ بهره در بازار های در حال ظهور اندک بوده و ارزیابی های بیش از حد در برخی بخش ها جلوگیری کرده است . در این گزارش افزوده شده البته اگر بر اثر تحقق رشد فشارهای تورمی، قیمت های بالای نفت و سرعت گرفتن روند کند شدن رشد اقتصاد آمریکا ریسک ها افزایش یابد بازارها با شدت بیشتری به این وضعیت عکس العمل نشان خواهند داد . جیمز کاروانا مدیر بخش بازارهای پولی و مالی صندوق بین المللی پول در یک کنفرانس خبری گفته است از نظر ما شرایط ثبات مالی جهان به دلیل چشم انداز مطلوب اقتصاد جهانی قوی باقی خواهد ماند.

افغانستان و بانک جهانی



بیش از پنج سال است که آمریکا و متحدین در افغانستان حضور دارند اما هنوز هیچ نشانی از ثبات و صلح و امنیت در کشور سراغ نداریم ، زیرا پس از سقوط طالبان ، باید بدون درنگ به جمع آوری اسلحه اقدام میگردید نه تنها اقدامی نشد بلکه دست تفنگداران در نقض حقوق بشر، حقوق زنان، دامن زدن اختلافات قومی و مذهبی، چور و چپاول با زگذاشته شد .

حال نه تنها بر مردم ما بلکه بر اکثر مردم دنیا آشکار گشته است که با وصف حضور نیروهای آیساف و ادعاهای بلند بالای کرزی، هنوز هم افغانستان به عنوان یکی از مراکز فجایع حقوق بشر باقی مانده است: ادامه خشونت علیه زنان، حوادث بیشمار تجاوز، تهدید و ازدواج اجباری توسط افراد مسلح ، افزایش بی سابقه خودکشی و خودسوزی زنان، تهدید فامیلها تا دخترا ن خود را به مکتب نفرستند، سوزاندن مکاتب دخترانه، احساس ناامنی زنان در کار بیرون از خانه، ممنوعیت ظاهر شدن آواز خوانان زن در رادیو و تلویزیون، افزایش زنان و بیوههایی که چاره ای جز گدایی و روی آوردن به فحشا ندارند و...

درحالیکه در اوضاع کنونی و در طی بیشترین سال این انتظار موجود بود که در عرصه های تأمین امنیت، بازسازی و قانونمداری، طرد فساد اداری و دولتی و سایر نابه سامانی ها کار های بزرگی انجام

میشد اما این مامول ها تحقق نیافته باقی مانده وخواست ملت برای ایجاد یک دولت قوی ونیرومند وپاسدار قانون و تأمین کننده امنیت وادامه دهنده بازسازی، تأمین کار ورفاه اجتماعی درحال بدل شدن به یأس تلقی میشود.

حضور نیروهای جنگ سالاردرادارات مهم امنیتی وسیاسی به این وضعیت بیشتر دامن زده است. تفنگداران با تکیه به نیروی نظامی خویش خواستار هرج ومرج ، چوروچپا ول ، زورگوي وبی قانونی اند . آنچه بیش از همه قابل تأمل واندیشه است اینست که ، نه تنها در ریشه کن کردن سیستم وشویه های قوماندان سالاری وحاکمیت تفنگ کار موثری صورت نپذیرفته ، بلکه بصورت مستقیم وغیرمستقیم درتقویه پایه های سیاسی وقدرت اقتصادی آنان موثریت روا داشته شده است . درحالیکه دراوضاع کنونی ودر طی کمترازپنج سال این انتظار موجود بود که درعرصه های تأمین امنیت، بازسازی وقانونمداری، طرد فساد اداری ودولتی وسایر نابه سامانی ها کار های بزرگی انجام میشد اما این مامول ها تحقق نیافته باقی مانده وخواست ملت برای ایجاد یک دولت قوی ونیرومند وپاسدار قانون و تأمین کننده امنیت وادامه دهنده بازسازی، تأمین کار ورفاه اجتماعی درحال بدل شدن به یأس تلقی میشود.

به همین دلیل اکنون شهروندان منتظرند که ببینند عاقبت دولت با اینهمه تفنگ داران به کجا کشانده خواهد شد . دریک اقدامی نمایشی دیگرکرزی به تغییر و تبدیل والی ها و قوماندانان امنیه ولایات در سطح وسیعتری اقدام نمود ، هدف ازین تغییرات تا مین بهتر امنیت و حاکمیت بیشتر دولت در ولایات کشور اعلان شد. اما آیا این اقدامات خواهد توانست اوضاع را به بهبودی سوق دهد؟ در شرایط فعلی برای همگان آشکار است که مرکز گریزی و قانون شکنی چه در ولایات و چه در مرکزبه اندازه ایست که هیچ مرجع قانونی نمی تواند در برابر آن ایستادگی کند . امروز بوروکراتیزم ریشه دار در کشور مانع هرگونه پیشرفت است، لذا برنامه هایی چون خلع سلاح ، مبارزه با مواد مخدر و غیره نتوانسته اند به موفقیت برسند.

در برابر این نا بسامانی بنیادی، سیاست هایی چون تغییر مسئولین در ولایات، سطحی به نظر می رسد، این سیاست ها نه تنها باعث بهبود اوضاع نمی شود بلکه به آشفتگی آن می افزاید. از سوی دیگر در هم ریختگی صلاحیت هاو مسئولیت های دست اندر کاران امور و بخش های مختلف اداری سبب ناکامی اجراء مثبت و موثر میگردد. اصلاحات اداری نیز در صورتی موثر است که هیچ کس نتواند به ناحق خواسته خود را به کرسی بنشانند. در هر حال ایجاد یک دولت مقتدر مرکزی با اتکا به اصل شایسته سالاری و مدیریت علمی که بتواند به خواسته های مردم پاسخ مثبت بدهد، تنها راه سیاسی بهبود اوضاع اجتماعی و اقتصادی به شمار می رود. در غیر آن هر شخصی با تجربه ای هم اگر دراین حلقه بسته ودر سیستم بهم آمیخته قرار گیرد موفقیت چندانی نخواهد داشت. در کشوربسیاری از فرمانداران محلی و ولایتی هم ازاردو، پولیس و افسران امنیتی قبلاً فرماندهان جناح

های مختلفی بوده اند که برای سرنگونی طالبان در اواخر سال ۲۰۰۱ در تصرف قدرت پیشدستی و خلاف توافق قبلی کابل را اشغال نمودند. آن چه که این نیروها می توانند انجام بدهند، استفاده از سمت دولتی خود برای کشت خشخاش و قاچاق مواد مخدر است.

آنها هنوز اسلحه در اختیار دارند و نفوذ گذشته خود را بر مردم حفظ کرده اند. تامین امنیت و جمع آوری سلاح یکی از همان اصطلاحات و اسمای بی مسمایی است که از زبان مسوولین دولتی و تریبیونها و بلندگوها در داخل و خارج کشور به مود روز و مود سال بدل گردیده، اما واقعیت خلاف آن است که می بینیم، می شنویم و احساس میکنیم. تعدد و تداوم اختطاف ها، سرقت ها، قتلها، انفجارها و انواع بی امنی ها در کشور واقعیت تلخی است که از سپیده دم دولت موقت آغاز شده، در دولت انتقالی تشدید و در دولت انتخابی به اوج آن رسیده است. مردم این پرسش را مطرح میسازند که دولت و مسوولین امنیتی آن با اینهمه تشکیلات وسیع و هزینه های گزاف در برابر اینهمه بی امنی و جنایت که طی پنج سال گذشته در تاریخ کشور ریکارد قایم کرده است، چه استدلالی دارد، مسوولین دولت با ادعا های بلند بالا و بهانه های ناهمگون در برابر افکار پرسشگر مردم و جهانیان چه پاسخی دارند؟ آیا همین کفایت میکند که میگویند: بیست و پنج سال جنگ درین کشور جریان داشته و در چند سال برطرف نمیشود؟

بانک جهانی در گزارشی وضعیت اقتصادی افغانستان را ارزیابی کرده است. این نخستین گزارش بانک جهانی در مورد اقتصاد افغانستان، از ۲۵ سال گذشته است. بانک جهانی در این گزارش عناصر فقر، خشونت، تجارت مواد مخدر و اقتصاد غیر رسمی در افغانستان را به عنوان موانعی مطرح کرده که روند توسعه اقتصادی این کشور در سه سال گذشته با آن مواجه بوده است.

مشاور اقتصادی بانک جهانی و تهیه کننده این گزارش، مشکلات امنیتی، ادامه قدرت جنگ سالاران، اعمال زور و سلطه طالبان که مخالف اصلاحات در دستگاه دولتی هستند بر برخی از مناطق، از جمله عوامل اصلی است که مانع گسترش حاکمیت مرکزی و تقویت نهادهای دولتی در سرتاسر افغانستان شده است. در این گزارش کشت، تولید و قاچاق مواد مخدر در افغانستان مهمترین عاملی عنوان شده است که امنیت، روند سیاسی و فعالیت های دولت را تحت تاثیر قرار می دهد. بر اساس گزارش بانک جهانی، تولید و تجارت تریاک عمده ترین فعالیت اقتصادی در افغانستان بوده و جنگسالاران از روند کشت، تولید و قاچاق آن حمایت می کنند.

در این گزارش آمده است که با توجه به اهمیت اقتصادی تریاک که در حال حاضر یک سوم فعالیتهای اقتصادی در افغانستان را تشکیل می دهد، باید برنامه های موثری آغاز شود تا در کنار اقدامات قانونی بر ضد قاچاقچیان و دست اندرکاران کشت، تولید و قاچاق مواد مخدر، به مردم بی بضاعت که وابسته به اقتصاد تریاک هستند کمک شود تا از این وابستگی نجات یابند.

با این حال، گزارش بانک جهانی تاکید می کند که افغانستان برای از بین بردن مواد مخدر به فعالیتهای دراز مدت و حمایتهای دوامدار جامعه جهانی نیاز دارد. در افغانستان از اقتصاد غیر رسمی به عنوان مکانیزم بقا استفاده می شود که بر اساس یافته های بانک جهانی، چنین اقتصادی زاینده عدم امنیت لازم و نبود خدمات عمومی در افغانستان بوده است. نویسنده گزارش، اقتصاد افغانستان را رو به بهبود خوانده و اضافه می کند که ۸۰ تا ۹۰ درصد اقتصاد این کشور، از جمله اقتصاد مواد مخدر، غیررسمی است. بر اساس این گزارش، دولت تاکنون نتوانسته عواید داخلی را جمع آوری کند که این امر مانع رشد کشور، تامین امنیت و عرضه خدمات اجتماعی در افغانستان شده است.

بر اساس آمار ارایه شده از سوی بانک جهانی، درآمد سالانه افغانها، ۳۱۵ دالر است. در این گزارش پیشنهاد شده است که برای استفاده قانونی از نیروی اقتصاد غیر رسمی، دولت می تواند از طریق فراهم آوری وامهای کوچک، توسعه همکاری میان فعالان اقتصاد غیر رسمی، ایجاد محیط بهتر برای سرمایه گذاران خصوصی و ایجاد ارتباط میان بخشهای رسمی و غیر رسمی، از اقتصاد غیر رسمی حمایت کند. در گزارش بانک جهانی آمده است که پیشرفت اقتصادی و سیاسی بدون رفع نیازمندیهای اجتماعی مردم، از جمله زنان، ممکن نخواهد بود. در این گزارش بر راه اندازی برنامه های عمرانی ویژه زنان نیز تاکید شده است.

با وجودی که بانک جهانی از تلاشهای دولت افغانستان در سه سال گذشته برای توسعه و تقویت نهادهای دولتی استقبال میکند، در گزارش کنونی نوشته است که با وجود همه این اصلاحات، کمکهای هنگفت خارجی مستقیماً برای حمایت از تلاشهای دولت به منظور تقویت نهاد های دولتی استفاده نشده است. گزارش بانک جهانی عدم همکاری مستقیم جامعه جهانی با دولت افغانستان و وجود دستگاه دوم دولتی متشکل از مشاوران و کارمندان اداره های کمک کننده بین المللی را دو عامل اساسی ارزیابی کرده است که مانع فعالیتهای موثر دولت می شود. فهرست اولویتهای کلیدی برای بازسازی افغانستان نیز در این گزارش گنجانده شده که تامین امنیت و حاکمیت قانون و مبارزه با مواد مخدر در صدر فهرست قرار دارد.

آغاز و پایان



پاول ولفوویتس رئیس مستعفی بانک جهانی هنوز موضوع رسانه‌هاست روزنامه سوئیسی تاگس انتسایگر در شماره ۱۸ مه خود به تفسیر این موضوع می‌پردازد و چنین می‌نویسد: برای متخصصان مبارزه با فقر بانک جهانی انتخاب ولفوویتس که آرشیتکت جنگ عراق است، عملی تحریک آمیز بیش نبود. هسته اصلی فعالیت بانک جهانی در تضاد کامل با ایدئولوژی محافظه کاران نوین قرار داشت که می‌خواستند برای نمونه درک خود و فقط خود از دموکراسی را در عراق به کرسی بنشانند. به همین خاطر شکست ولفوویتس، شکست دولت بوش نیز هست. با افرادی چون جان بولتن در سازمان ملل و ولفوویتس در بانک جهانی، دولت بوش نتوانست خواست شفاف سازی سازمانهای بین المللی را عملی سازد

پل ولفوویتز با ترفیع مقام نامزدش در بانک جهانی قوانین این بانک را زیر پا گذاشته است. وزیر امور خارجه آمریکا در مکالمه‌ای تلفونی با همتایانش در اروپا برای پل ولفوویتز، رییس بانک جهانی که زیر فشار قرار دارد، چانه‌زنی کرد. شان مک‌کورمک، سخنگوی وزارت امور خارجه آمریکا گفت، کاندولیزا رایس در این گفت‌وگوها بر ارزشی که برای ولفوویتز و کارش برای بانک جهانی قایل است، تاکید کرد.

محافل نزدیک به وزارت خارجه آمریکا گفتند که دست آخر این مذاکرات به جلب حمایت از ولفوویتز نینجامید.

از ۳۰ ژوئن دیگر لازم نیست راننده بانک جهانی به منظور رساندن پل ولفوویتز به مقر بانک جهانی در واشنگتن به منزل شخصی وی در چوی چویس مریلند برود، چرا که از آن پس ولفوویتز دیگر رئیس بانک جهانی نخواهد بود.

پل ولفوویتز، طراح جنگ عراق و هم‌فکر ارشد جرج دبلیو بوش هفته‌ها بود که به علت سوءاستفاده از مقام خود در ریاست بانک جهانی، تحت فشار رسانه‌ها و کارکنان و اعضای بانک جهانی قرار داشت؛ بانکی که ولفوویتز در سال ۲۰۰۵ با حمایت دولت آمریکا، ریاست آن را بر عهده گرفت.

در روزهای اخیر ولفوویتز در حالی بر کرسی خود در اتاق طبقه دوازدهم ساختمان بزرگ بانک جهانی، که فقط دو بلاک از کاخ سفید فاصله دارد، تکیه می‌داد، که به حمایت‌های بی‌چون و چرای دولت بوش برای مقابله با فشارهای اروپائیان دلخوش بود، اما این دلخوشی فرجامی نداشت و نهایتاً هیئت رئیسه بانک جهانی وی را مجبور به استعفا کرد.

ولفوویتز که از سال ۲۰۰۵ مقام معاونت پنتاگون را ترک کرد و بر اریکه ریاست بزرگترین نهاد مالی و اقتصادی بین‌المللی جهان (بانک جهانی) تکیه زد، اولین هدف خود را مبارزه با «غده سرطان فساد مالی» اعلام کرد، اما هیچ‌گاه فکر نمی‌کرد دو سال بعد خود به علت فساد مالی از بانک جهانی به طور مفتضحانه کنار رود.

پل داندس ولفوویتز در ۲۲ دسامبر ۱۹۴۳ در بروکلین نیویارک در یک خانواده یهودی مهاجر لهستانی به دنیا آمد. وی دومین فرزند ژاکوب ولفوویتز و لیلیان داندس بود که در سال ۱۹۲۰ از لهستان به نیویارک مهاجرت کرده بودند. پدر وی استاد ریاضی در دانشگاه کورنل بود و از حامیان قوی دولت اسرائیل محسوب می‌شد. کلیه اقوام ژاکوب قربانی هولوکاست شده بودند و این مسئله همواره در ذهن ولفوویتز سایه افکنده است .

پل زمانی که پدرش در دانشگاه شهر حیفا در سرزمین‌های اشغالی تدریس می‌کرد حدود یک سال در این شهر زندگی کرد تا همواره حمایت از اسرائیل را آویزه گوش خود سازد.

پل در اواسط ۱۹۶۰ در دانشگاه کورنل با کلر زلگین آشنا شد و این آشنایی به ازدواج آن دو در سال ۱۹۶۸ انجامید، هرچند که این ازدواج در سال ۲۰۰۱ به جدایی منتهی شد . پل پس از جدایی از کلر با شاه‌علی رضا رابطه برقرار کرد، رابطه‌ای که آینده سیاسی وی را به مخاطره انداخت.

شاه‌علی از پدری لیبیایی و مادری سعودی-سوریه‌ای در تریپولی لیبی به دنیا آمد اما در تونس، عربستان و انگلستان بزرگ شد و اکنون تبعه انگلیس است .

در مارچ ۲۰۰۵، همسایگان شاه‌علی با یکدیگر درباره رفت‌وآمد پل ولفوویتز به خانه وی سخن می‌گفتند. ولفوویتز چندی بعد با وجود نگرانی‌های برخی اعضای موثر بانک جهانی با حمایت دولت بوش ریاست بانک جهانی را به دست گرفت. در اوایل سال ۲۰۰۷ شبکه خبری فاکس نیوز مجموعه اخبار محرمانه‌ای از وقایع پشت‌پرده بانک جهانی و اسناد داخلی آن را منتشر کرد که موجب خشم مقامات بانک جهانی شد و آنها به طور رسمی از این شبکه خبری شکایت کردند، اما ریچارد بهار خبرنگار این شبکه، مشت‌بسته دیگری باز کرد که نشان می‌داد حقوق پرداختی به خانم شاه‌علی، از کارمندان بانک جهانی، که ولفوویتز روابط دوستانه‌ای با وی داشت، بر خلاف سیاست‌های بانک افزایش یافته بود .

سپس در دوازده اپریل نشریه فایننشال تایمز فاش ساخت که ولفوویتز در سال ۲۰۰۵ شخصا به مدیر منابع انسانی بانک جهانی دستور ارتقاء وظیفوی و حقوقی بسیار چشمگیر خانم شاه‌علی را صادر کرده بود .

متن این دستور ولفوویتز دو روز بعد توسط بانک جهانی منتشر شد و به تعبیر فایننشال تایمز «گاف مرگ‌آور» ولفوویتز با این سند، افشا شد. با افشای این اسناد، اعتراضات رسانه‌ای به رئیس بانک جهانی روز به روز شدیدتر شد تا اینکه عملاً برخی کارمندان بانک به عملکرد ولفوویتز اعتراض کردند و دامنه این اعتراض‌ها به هیئت رئیسه و اعضای بانک نیز کشیده شد.

در چهارده مه کمیته بازرسی بانک جهانی با بررسی موضوع، اقدام ولفوویتز در افزایش حقوق و دستمزد شاه‌علی را خلاف مقررات داخلی این بانک اعلام کرد و هفده مه، ولفوویتز نهایتاً مجبور به

پذیرش تخلف خود شد و با اعلام استعفا از ریاست بانک جهانی، اظهار داشت که از ۳۰ ژوئن یعنی پایان سال مالی بانک جهانی، به طور رسمی از این نهاد کناره گیری خواهد کرد.

اما ماجرا از آنجا آغاز شد که روابط پشت پرده ولفوویتز با خانم شاها رضا و تلاش وی برای ارتقای بدون مجوز وی افشا شد. منابع آگاه معتقدند این خانم از مدت‌ها قبل با ولفوویتز رابطه مخفی داشته است، از سال‌ها پیش که ولفوویتز سرگرم ترسیم تاروپودهای سیاست خارجی آمریکا بود، خانم شاها نیز که فارغ‌التحصیل دکترا در رشته علوم سیاسی از دانشگاه آکسفورد است، با وی در ارتباط بود.

روابط قدیمی رئیس بانک جهانی با شاها که تا زمان تصدی ریاست بانک جهانی توسط این مرد یهودی در سال ۲۰۰۵ کاملاً مخفی مانده بود، با شروع فعالیت وی به عنوان رئیس این نهاد مالی بین‌المللی به تدریج آشکار شد. خانم رضا پیش از آشنایی با طراح جنگ عراق، از افسران ارتباطات اداره خاورمیانه و آفریقای شمالی بانک جهانی بود. وی در ماه سپتامبر با کمک ولفوویتز به اداره خاورمیانه و آفریقای شمالی وزارت امور خارجه آمریکا انتقال یافت تا به تاسیس بنیادی نیمه مستقل به منظور ترویج دموکراسی در این منطقه کمک کند. در ابتدا رئیس خانم رضا در وزارت امور خارجه آمریکا، الیزابت چنی دختر دیک چنی معاون رئیس جمهوری آمریکا بود که پدرش رابطه‌ای بسیار قدیمی با ولفوویتز داشته است.

رضا هم اکنون به عنوان مشاور «بنیاد آینده» فعالیت می‌کند، ولی حقوق خود را از بانک جهانی دریافت می‌کند، حقوقی که با سخاوتمندی ولفوویتز حتی بیش از حقوق کاندولیزا رایس وزیر خارجه بوش است: سالانه ۲۰۰ هزار دلار.

رئیس بعدی هم آمریکایی است؟

کشورهای آمریکا، جاپان، آلمان، فرانسه و انگلیس بزرگ‌ترین کمک‌کنندگان به بانک جهانی هستند که هر کدام از آنها یک عضو در هیأت اجرایی دارند، ولی قدرت آرای آنها بر اساس سهم آنها در بانک جهانی است.

آمریکا با شصت و یک درصد، دارای بیشترین سهم است و لذا تعیین رئیس این بانک توسط کاخ سفید، به عادت برای آنان تبدیل شده است. در سال‌های اخیر، بانک جهانی به خاطر این که آمریکا بیش از اندازه بر آن نفوذ دارد، مورد انتقاد قرار گرفته است. جریان برکناری ولفوویتز بیانگر کاهش نفوذ آمریکا در بانک جهانی است، آن هم در زمانی که کشورهای اروپایی و آسیایی به قدرتهای اقتصادی بیشتری دست یافته‌اند. بانک جهانی طی شصت سالی که از عمر آن می‌گذرد هرگز رئیس این بانک را که به صورت سنتی توسط رئیس جمهوری آمریکا انتخاب می‌شود، اخراج نکرده است.

به گفته برخی مقامات ارشد، نمایندگان کشورهای بزرگ اروپایی در هیأت رئیسه بانک جهانی که تحت دستورالعمل‌های شدید دولتهای خود برای کنار گذاشتن ولفوویتز فعالیت می‌کردند، از این نگرانند که با این کار حق معرفی کردن رئیس صندوق بین‌المللی پول را که مجموعه خواهر بانک

جهاني تلقي مي‌شود از دست بدهند . اين گمانه زني نيز در ميان مقامات بانك جهاني وجود داشت كه اگر ولفوويتز از پستش كناره گيري كند، اعضاي اروپايي و ديگر اعضاي بانك تحريك خواهند شد كه خواستار ايفاي نقش بيشتري در انتخاب رئيس بعدي اين بانك شوند، بنابراين، اين مساله مي‌تواند يكي از عوامل مهم در تصميم‌گيري بوش نسبت به حذف ولفوويتز باشد.

جوزف استيگليتز برنده نوبل اقتصاد پس از كناره‌گيري ولفوويتز از توني بلر نخست وزير انگلستان به عنوان بهترين گزينه براي رياست بانك جهاني نام برد. اما اكنون با كنار رفتن ولفوويتز، از رياست بانك جهاني اين سؤال مطرح است كه آيا رئيس يازدهم بانك جهاني نيز باز هم آمريكايي است؟

بلر جايزين ولفوويتز خواهد شد؟



پس از يك ماه بحران در بانك جهاني و كناره گيري پل ولفوويتز از رياست اين بانك گفته مي‌شود توني بلرنخست وزير كنوني انگليس بيشتري شانس را براي احراز اين سمت دارد.

به گزارش شبكه تلويزيوني يورونيوز، بسياري از كارشناسان و اقتصاددانان بانك جهاني پيشنهاد داده‌اند، توني بلر كه در حال كناره گيري از نخست‌وزيري انگليس است به عنوان رئيس بانك جهاني و جانشين پل ولفوويتز انتخاب شود. از آنجا كه دولت آمريكا بيشتريين كمك مالي را به بانك جهاني ارائه مي‌دهد و داراي بيشتريين سهام در اين نهاد مالي است به طور سنتي رياست آن از سوي دولت آمريكا و از ميان شهروندان آمريكايي انتخاب مي‌شود. چندي پيش كميته تحقيق بانك جهاني در گزارش اخير خود از هيئت‌مديره بانك جهاني درخواست کرده بود صلاحيت ولفوويتز را براي ادامه حضورش به عنوان رئيس بانك جهاني بررسي كند. وي سرانجام به دليل موج شديد اعتراضات بين‌المللي و داخلي از سمت خود كناره‌گيري كرد.

استعفای ولفوويتز با استقبال بسياري از كشورهاي جهان از جمله آلمان و ناروي همراه بوده‌است. پل وولفوويتز دستور داده بود تا حقوق يك كارمند زن اين بانك كه با او رابطه عاطفي داشته، افزايش يابد . ولفوويتز به همراه جرج بوش رئيس جمهور آمريكا و كاندوليزا رايس وزير امور خارجه اين كشور، از معماران جنگ عراق بود. اما توني بلر نخست‌وزير انگليس بالاخره تاريخ كناره‌گيري از قدرت را اعلام كرد. وي مجبور شد اين كار را بكند. بلر به دليل جاه طلبی شخصي خود مايل بود ركورد مدت نخست‌وزيري خانم تاچر را بشكند، اما به اجبار همچون خانم تاچر مجبور شد از قدرت كناره بگيرد.

خانم تاچر در پائیز ۱۹۹۰ در حالی که سربازان انگلیسی به دلیل اشغال کویت خود را برای حمله به عراق آماده می‌کردند از سمت خود استعفاء داد و جان میجر وزیر دارایی جانشین وی شد.

اکنون در سال ۲۰۰۷ نیز بلر به دلیل شکست در همراهی آمریکا در لشکرکشی عراق، مجبور به استعفاء شد و قرار است گوردون براون وزیر دارایی جانشین وی شود. تاچر و بلر هر دو به این دلیل که می‌خواستند همچنان قدرت رقابت را برای حزب خود محفوظ نگاه‌دارند، استعفاء دادند.

حزب محافظه‌کار در دوره تاچر سه دوره پی‌پی در انتخابات پیروز شد. تاچر دو دوره کامل نخست‌وزیر بود و در دوره سوم استعفاء داد. جان میجر دوره سوم پیروزی حزب محافظه‌کار را به پایان برد و برای بار چهارم نیز حزب محافظه‌کار را بر حزب کارگر پیروز گردانید. حال بلر با استعفای خود در اواسط دوره سوم پیروزی پی‌پی حزب کارگر، می‌خواهد همین مسیر را برای حزب کارگر هموار کند.

مهمترین دستاورد دوره زمامداری بلر در امور اقتصادی تعریف می‌شود؛ جایی که بلر بی‌شک مدیون گوردون براون وزیر دارایی خود است. در این دوره انگلیس از ثبات اقتصادی، رشد نسبتاً بالایی اقتصادی و میزان بیکاری اندک بهره‌مند بوده است.

این دستاوردها در کنار رقابتی سیاسی کم‌وزن و کم‌منزلت که از حزب محافظه‌کار برای رویارویی انتخاباتی با بلر انتخاب می‌شدند، منجر به پیروزی پی‌پی حزب کارگر در سه دوره شد.

از سوی دیگر بلر با شعار مبهمی مثل «حزب کارگر نو» از احزاب چپ‌گرای سنتی فاصله گرفت. به عبارت روشن‌تر، هرگز نمی‌توان عملکرد بلر در سیاست داخلی و خارجی را با آنچه در کتاب‌ها درباره احزاب چپ‌گرا نوشته شده، ارزیابی کرد. سیاست اقتصادی حزب کارگر در دوره بلر، ادامه سیاست اقتصادی حزب محافظه‌کار بود و حتی خشن‌تر و فاقد جنبه‌های انسانی رشد و توسعه انسانی.

بلر همچنین به اصطلاح «جنگ با ترور» را به ملی‌گرایی معطوف به نژادپرستی در داخل و تلاش برای احیای امپراطوری از دست رفته بریتانیا در خارج تبدیل کرد.

بلر در جنگ سی و سه روزه لبنان، علناً در کنار رژیم اسرائیل قرار گرفت و چنان بی‌محابا از تل‌آویو حمایت کرد که حتی اعتراض هم‌حزبی‌های خود را نیز برانگیخت.

ده‌سال پیش وقتی بلر به قدرت رسید، وعده داد صادق باشد. اما در عمل دروغگوترین سیاستمدار بریتانیا بود. بلر برای دروغ گفتن انرژی مصرف نمی‌کرد. یک ضرب‌المثل اسپانیایی می‌گوید کسی که دیروز دروغ گفت، امروز نمی‌تواند شما را فریب دهد. اما گویا بلر هرگز این ضرب‌المثل را نشنیده بود.

بلر به دروغ مدعی شد صدام دارای سلاح کشتار جمعی است و گزارش سرویس امنیتی انگلیس به اشاره وی منتشر شد.

چندی بعد یک محصل عراقی گفت آنچه به دوسیه سلاح‌های کشتار جمعی عراق شهرت یافته گزیده‌های ناشیانه از پایان‌نامه تحصیلی وی است که در آمریکا تهیه شده است.

دیوید کلی از کارشناسان وزارت جنگ انگلیس که بارها از عراق دوره صدام بازدید کرده بود نیز بی‌اعتباری ادعای نخست‌وزیر را اذعان کرد. وی چندی بعد در خانه‌اش مرده یافت شد. بلر سیاست خارجی انگلیس را به سطح کارگزاری سیاست خارجی آمریکا تنزل داد و به همین دلیل لقب‌هایی مثل ستون پنجم آمریکا در اروپا و سگ دست‌آموز بوش را دریافت کرد. بلر در سیاست داخلی خود هر دستاوردی داشته باشد، قطعاً در سیاست خارجی به‌خصوص در خاورمیانه و روابط اروپا - آمریکا، فردی فاقد ایده و بصیرت بود که موقعیت انگلیس در خاورمیانه را حداقل در دو دهه به عقب برد.

انگلیس در دوره بلر، اعتبار و مشروعیت خود را در خاورمیانه به یغما داد که ترمیم آن سال‌ها طول خواهد کشید. با وجود هم‌نوا بودن بلر با بوش امکان تقررری در ریاست بانک جهانی از جانب آمریکا پذیرفته نخواهد شد. همچنان هفته‌نامه‌ی سان‌دی تلگراف نوشت: مقامات کاخ سفید به رییس‌جمهور آمریکا اطلاع داده‌اند که پس از روی کار آمدن گوردون براون به عنوان نخست‌وزیر انگلیس خود را برای تغییرات اساسی در سیاست‌های لندن در قبال عراق آماده کند. هفته‌نامه‌ی سان‌دی تلگراف نوشت: برخی مقامات کاخ سفید جورج بوش، رییس‌جمهور آمریکا را در طی نشست توجیهی در جریان این مطلب قرار داده‌اند که در همان ۱۰۰ روز نخست فعالیت گوردون براون در سمت نخست‌وزیری انگلیس انتظار اعلام خروج تدریجی نیروهای انگلیسی از عراق را داشته باشد.

همچنان جیمی کارتر، رییس‌جمهوری پیشین آمریکا از تونی بلر، نخست‌وزیر مستعفی بریتانیا به علت آنچه وی حمایت کورکورانه از جنگ عراق نامید انتقاد کرده است. کارتر گفت که حمایت بلر از جورج بوش، رییس‌جمهوری آمریکا "ظاهراً متملقانه" بوده است. حمایت مصممانه "بریتانیا از سیاست‌های نابخردانه جورج بوش، رییس‌جمهوری آمریکا در عراق، فاجعه‌ای عمده برای جهان بوده است.

این اظهار نظر جیمی کارتر زمانی صورت می‌گیرد که تونی بلر برای بازدید از عراق به بغداد سفر کرده است. این هفتمین و به احتمال زیاد، آخرین سفر تونی بلر به عراق است. وی قرار است در اواخر ژوئن پست نخست‌وزیری بریتانیا را به گوردون براون تحویل دهد.

نخست‌وزیری تونی بلر تحت الشعاع این اتهام بود که وی بریتانیا را وارد یک جنگ غیرقانونی کرد. بر اساس یک نظرسنجی روزنامه آبرور که اخیراً انجام شده، ۵۸ درصد از پاسخ‌دهندگان گفته‌اند اشغال عراق اشتباه بود. کارتر خاطرنشان کرد که اگر تونی بلر پیش از شروع جنگ عراق، خود را از سیاست جورج بوش برای اشغال عراق دور نگه می‌داشت، می‌توانست تفاوت مهمی در افکار عمومی و سیاسی آمریکا ایجاد کند. دولت آمریکا در دفاع از اقدام خود در اشغال عراق به این نکته اشاره می‌کرد که چون بریتانیا از ما حمایت می‌کند، اقدامات ما صحیح‌تر از آن چیزی است که دنیا تصور می‌کند.

ترکیب بوش و بلر و حمایت آنها از فاجعه عراق باعث آن شده که مخالفان تاثیر کمتری داشته باشند و این خود بانی آن شده که جنگ طولانی تر شده و مصیبت ناشی از آن هم زیاده تر شود. به گفته کارتر، جنگ عراق باعث بروز تفرقه در سطح جهانی شده است. وی ابراز امیدواری کرد که گوردون براون، جانشین بلر کمتر از وی از چنین سیاستی حمایت کند. رییس جمهوری پیشین آمریکا از منتقدان سر سخت جنگ عراق به شمار می رود. وی سال پیش نیز در مصاحبه ای خاطر نشان کرده بود که از ناکامی تونی بلر در استفاده از نفوذش بر جورج بوش مایوس شده است. جیمی کارتر در سال ۱۹۷۶ به سی و نهمین رییس جمهوری آمریکا مبدل شد و تا سال ۱۹۸۱ این سمت را در اختیار داشت. وی در سال ۲۰۰۲ به خاطر تلاش های صلح جویانه و تلاش برای گسترش عدالت اجتماعی و قضایی برنده جایزه نوبل شد.

بنا به گفته‌ی یک مقام کاخ سفید بوش نسبت به چگونگی اداره‌ی جنگ در پی عقب‌نشینی سربازان انگلیسی و پایان یافتن حمایت بی‌چون و چرای دولت این کشور توجیه شده است. تونی بلر، نخست وزیر کنونی انگلیس قرار است در تاریخ ۲۷ ژوئن زمام قدرت را پس از یک دهه به وزیر دارایی یعنی گوردون براون بسپارد .

انگلیس از دوره‌ی زمامداری بلر یکی از هم پیمانان سرسخت ایالات متحد در جنگ عراق و شریک اصلی تهاجم نظامی به این کشور در مارچ ۲۰۰۳ بوده است . مقامات ارشد شورای امنیت ملی آمریکا و مقامات ارشد پنتاگون (وزارت دفاع) و هم‌چنین مقامات وزرات امور خارجه‌ی این کشور نسبت به تصمیمات احتمالی براون پس از تصدی مقام نخست‌وزیری انگلیس ابراز نگرانی کرده‌اند .

تونی بلر برای آخرین بار در مقام نخست وزیر بریتانیا به واشنگتن رفت و با جورج بوش رئیس جمهور آمریکا دیدار کرد. بلر را بارها به دنبال روی کورکورانه از بوش متهم کرده بودند و از او به عنوان یک دوست وفادار که در پیروی از بوش هیچ تردیدی به خود راه نمی دهد نام می بردند.

اما ایندیندنت می نویسد که این بار وضع اندکی متفاوت است و واشنگتن به پاس وفاداری بلر از تلاش های بین المللی او حمایت کرده است. آلودگی محیط از جمله مسائلی است که بلر تلاش های زیادی برای مقابله با آن کرد، اما آمریکا همواره با سازمان ها و پیمان های هوادار محیط زیست میانه خوبی نداشت.

پیمان کیوتو از آن جمله است. اما گروهی از سیاستگذاران و دانشمندان به تازگی در آلمان گرد آمده اند و در نظر دارند پیمان بین المللی جدیدی که از آن به عنوان «فرزند کیوتو» نام برده می شود، تدوین کنند.

بوش در واشنگتن گفت: با بلر گفت وگوهای زیادی درباره محیط زیست داشتیم و اکنون معترفم که این موضوع بسیار جدی است و از این پس آن را جدی می گیریم. برخی بر این باورند که این اظهارات می تواند بهترین هدیه آمریکا به بلر به پاس وفاداری هایش باشد.

در همین حال مارک کرک، از نمایندگان حزب جمهوری خواه آمریکا در کنگره‌ی این کشور در گفت‌وگوهای در خصوص سیاست‌های واشنگتن در قبال جنگ در عراق در کاخ سفید گفت: دیدگاه آمریکا این است که براون در مقایسه با بلر رهبر سیاسی ضعیف‌تری است. این نگرانی در واشنگتن وجود دارد که براون آنچنان هم‌پیمان مقتدر و سرسختی (برای آمریکا) نباشد. تونی بلر برای آخرین بار به عنوان نخست وزیر انگلیس به آمریکا سفر کرد و پس از آن به منظور گفت‌وگو با رهبران سیاسی عراق و ملاقات با سربازان انگلیسی در شهر بصره رهسپار این کشور جنگ زده شد.

در حالیکه جستجو برای جانشین پل ولفوویتز به عنوان رییس بانک جهانی آغاز شده، بسیاری در حال زیر سوال بردن حق سنتی آمریکا برای انتخاب مرد شماره یک بانک جهانی هستند. بر اساس گزارش روزنامه‌ی بانفوذ نیویارک تایمز، بانک جهانی برای چندین دهه برای کشورهای قرض گیرنده، درخصوص پیشنهاد رقابت انتخاب از روی شایستگی و روال شفاف امور سخنرانی کرده است ولی وقتی نوبت انتخاب رییس بانک رسیده، واشنگتن هرگز این اصول را نپذیرفته است.

بر اساس یک قانون نانوشته، رییس جمهور آمریکا رییس بانک جهانی را انتخاب می‌کند و اینکه فرد منتخب مهارت‌های مدیریت مورد نیاز یا صلاحیت‌های رشد را داشته باشد یا خیر چندان مهم نیست. همچنین رهبران اروپایی نیز چنین اختیار مشابهی را در مورد انتخاب رییس صندوق بین‌المللی پول داشته‌اند. این دو نهاد شش دهه قبل (پس از جنگ جهانی دوم) ایجاد شدند.

نیویارک تایمز در تلاش برای اصلاح این انتخاب و تبدیل آن به انتخاب از روی شایستگی افراد به شکلی که تمام متقاضیان با صلاحیت بتوانند داوطلب احراز آن شوند، نوشت: این روند انتخاب به شدت معیوب، از کارآمدی و اعتبار بانک جهانی که وظیفه آن تامین هزینه‌های توسعه بین‌المللی است، کاسته است.

اما متأسفانه این اتفاق رخ نخواهد داد زیرا کاخ سفید تنها پس از اینکه مدیران بانک جهانی با انتخاب رییس بعدی بانک توسط جورج بوش موافقت کرده‌اند، استعفای ولفوویتز را پذیرفته است. این در حالیست که مجمع کارکنان بانک جهانی علاوه بر اعلام درخواست استعفای ولفوویتز از سمت ریاست بانک هم چنین خواستار این شده‌اند که وی سمت‌های دولتی را نیز ترک و از اتخاذ تصمیم در سیاست‌گذاری منع شود. ولفوویتز معاون سابق دونالد رامسفلد، وزیر دفاع وقت آمریکا و یکی از طراحان اصلی جنگ عراق بوده است.